

موضوع بهره‌برداری کامل از نیروهای انسانی و خصوصاً استفاده بهتر از افراد زبده و کاردان و دانشمند که سرمایه واقعی هر کشور هستند مدتها است که مورد مطالعه جامعه‌شناسان و اقتصاددانان و زمامداران بوده است. این مسئله برای کشورهای رو به توسعه که در مراحل نخستین رشد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی قرار دارند اهمیت فوق‌العاده دارد زیرا این ممالک بیش از فقر سرمایه از کمبود آدم رنجه هستند و گاه ناچارند بجای طبقاتی از افراد فنی محلی کارشناسان ناقابل خارجی را با حقوقهای گزاف استخدام کنند. در صورتی که یک جامعه از اشخاص کاردان مورد نیاز خالی و از تربیت آنها عاجز باشد سرزنی با او وارد نیست زیرا یکی از هزاران مظاهر عقب‌افتادگی همین است. ولی اجتماعات عقب مانده بسیاری هستند که از وجود معدودی اشخاص فهمید و کارآموز خسته خودم که برای پیشرفت کشورشان سخت مورد احتیاجند محروم میمانند زیرا این اشخاص کم سرمایه‌های راكد علمی و فنی بشمار میروند بنا میل ورشا به کشورهای دیگر میروند و مورد بهره‌برداری جامعه دیگری قرار می‌گیرند.

فرار مغزها (Brain Drain)

باید دانست از روزگاران قدیم هجرت و جاب ، حتی ربوبن صنعتگران و دانشمندان از یک سرزمین دیگر رسم بوده است. در سده‌های اخیر بسیار شاعران و صنعتگران و پیشه‌وران ایرانی برای کسب روزی و عرضه هنر خویش به نقاط دور و نزدیک می‌رفتند. امروز با شناسائی که افراد نسبت به جهان پیرامون خود دارند و ازدیاد و سرعت وسائل ارتباطی تمدن‌هایی که دست‌کم از نظر فنی برتر و از نظر اقتصادی پیش‌افتاده‌ترند و در نتیجه امکانات مادی و علمی بیشتری دارند با جذب خاص افراد متخصص و دانشمند را بسوی خود می‌کشند در نتیجه سیل

« مغزهای پرخریدار » از يك کشور به کشور دیگر و از يك قاره به قاره دیگر سرازیر میشود . در داخل يك کشور نیز وقتی که با پیدایش صنعت و ماشین زندگی شهری توسعه می‌یابد و مراکز ثروت و داد و ستد ایجاد میشود روستائیان و صاحبان حرفه باین مراکز مهاجرت میکنند . در پایان قرن نوزدهم مغزهای متفکر و افراد کارآمد از امپراطوری روسیه و کشورهای اروپای شرقی بمالک ثروتمند و پیش افتاده اروپای غربی جلب میشدند و در آنجا اقامت می‌کردند . پس آنچه که امروز « فرار مغزها » - Brain Drain مینامیم همواره وجود داشته و چیز تازه‌ای نیست ولی هیچگاه به این اندازه زیاد نبوده و تا این پایه تولید مشکل و ایجاد نگرانی نمی‌کرده است .

فرار مغزها پس از جنگ اخیر

در سالهای بلافاصله پس از جنگ اخیر که اروپا درمانده و ویران شده و محیط علمی آن خاموش مانده بود خیلی طبیعی بود که بسیاری از اشخاص زبده و کارآموخته برای تأمین زندگی خود و توفیق علمی به نقاط دیگر جهان خصوصاً آمریکای شمالی هجرت نمایند . همچنین رفته رفته دیده میشد دانشجویان ممالک فقیر و توسعه نیافته که در مقرب زمین تحصیل میکردند در صورتی که رشته تخصصی آنها در کشور محل اقامتشان مورد نیاز بود دیگر به کشور خود بر نمی‌گشتند . تا وقتیکه این موضوع جنبه انفرادی و نادر داشت شاید قابل چشم‌پوشی بود، اما درسالیان اخیر تعداد کسانی که متعلق به طبقات نهیمیده و کاردان هستند و کشور خود را به منظور اقامت دائم در سرزمین دیگر ترك می‌کنند به اندازه‌ای زیاد شده که اندک اندک برای پاره‌ای ممالک بحورت مشکل ملی جلوه‌گر میشود . اینکه پاره‌ای کشورها آنهم ممالک فقیر و عقب‌مانده گل سرسید اجتماع خود یعنی مستعدترین و قابل‌ترین افراد را که پاره‌ای

از آنها در زادگاه خود بسیار مفید ممکن است واقع شوند از دست میدهند موجب شده است که ششم مقامات اقتصادی این کشورها را که بعات احساس مسؤلیت در توسعه اقتصادی به‌عاقبت و خیم این موضوع واقفند علیه کنوری پیشرفته و پذیرنده « مغزهای زبده » برانگیزاند . نباید تصور کرد فرار مغزها منحصر بمالک توسعه نیافته است . در میان کشورهای پیشرفته نیز آنهایی که دارای امکانات علمی و فنی و اقتصادی بیشتری هستند کارشناسان مورد نیاز خود را از دیگران جاب میکنند . برای پی بردن بدامنه و اهمیت موضوع کافی است به ارقام زیر توجه کنیم . در طی دو سال یعنی از ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۸ تعداد ۶۵۲۹ تن دانشمند و مهندس برجسته از اروپا به آمریکا مهاجرت نموده‌اند که بیشترشان انگلیسی بوده‌اند . هم‌اکنون در انگلستان چهارهزار و در ایالات متحده آمریکا بیست هزار پزشک خارجی کار میکنند از این میان ۱۱ هزار نفر بعنوان پزشک مقیم و کارورز در بیمارستانهای آمریکا مشغولند . اینان که تحصیلات عالی خود را در کشور خویش به‌پایان رسانده و پس از آن به آمریکا آمده و مستقر شده‌اند ۴۷ درصد مجموع کارکنان بیمارستانهای آمریکا را تشکیل میدهند . مطابق آخرین آمار سالیانه هشت هزار نفر از کلیه دانشکده‌های پزشکی آمریکا فارغ‌التحصیل میشوند در حالیکه این کشور هر سال به ۱۲ هزار پزشک نیاز دارد . مجموع مهندسان و پزشکان و دانشمندان خارجی که از سال ۱۹۴۹ تا ۱۹۶۴ در آمریکا مستقر شده‌اند به ۸۵ هزار نفر بالغ می‌گردد و تخمیناً در پایان سال جاری بصد هزار نفر رسیده است . جاب اینهمه خارجی برای کارهای تخصصی گذشته از مزایای مختلف از لحاظ اقتصادی نیز بی‌اندازه پرسود است زیرا حساب شده که اگر قرار بود این عده در

خود مدارس و مؤسسات علمی آمریکا تربیت بشوند حداقل دو میلیار دلار و بطن قوی چهار میلیار دلار برای جامعه آمریکا خرج بر میداشت. هزینه تربیت يك پزشك در آمریکا به ۶۰ هزار دلار برآورد میشود. بنابراین وقتی وزیر بهداشتی انگلیس میگوید: «وظیفه دانشكده‌های پزشکی ما اینست که برای بیمارستانهای آمریکا پزشك تربیت کنند» میتوان بدو حق داد.

علل فرار مغزها و چاره‌جویی

تا بحال مطالعات بسیاری از طرف کشورها و مؤسسات ذینفع و محافل و مجامع بین‌المللی و جامعه‌شناسان خصوصاً در کشورهای پیشرفته صنعتی در این باره صورت گرفته است.

معذلك چون این موضوع خیلی پیچیده است و اظهار نظر درباره آن مستلزم در دست داشتن عوامل متعدد و آشنائی با محیط‌های گوناگون و مشکلات خاص هر کشور میباشد نمیتوان کشور بخصوصی را منتهم ساخت که از طریق زور یا نیرنگ سعی دارد افراد کشورهای دیگر را بخود جاب کند. در تمدنهای صنعتی که بر مبنای لیبرالیسم اقتصادی و آزادیهای فردی از جمله آزادی رفت و آمد اشخاص قرار دارند دولتها اگر هم در این مورد دخالت دارند بطور غیرمستقیم است و امر استخدام و اشتغال تابع شرایط بازار و احتیاجات است. برعکس در بعضی کشورهایی که دارای اقتصاد سوسیالیستی و از روی برنامه هستند سهولت میتوان مقرراتی مبنی بر پذیرش یا عدم پذیرش اتباع خارجی در داخل کشور گذرانده مثلا پاره‌ای دولتها دانشجویان خارجی را که در آنجا تحصیل میکنند پس از پایان تحصیلات مکلف میسازند که باید به کشور خود برگردند.

بطور کلی با توجه به مطالعاتی که شده میتوان دلائل زیر را برای فرار مغزها ذکر کرد:

۱- قصد تحصیل درآمد بیشتر - پیش از هر چیز هر کس مایل است بر درآمد خود بیفزاید و مال ببندد. يك مهندس هندی در کشور خود تازه اگر

کار پیدا کنند - حقوقی که می‌گیرند گاه کمتر از يك دهم حقوق کارگر عادی يك کشور صنعتی مانند آمریکا است. باید دانست که در کشورهای پیشرفته احتیاج به طبقاتی از افراد متخصص مانند پزشك و مهندس و فیزیک‌دان بسیار زیاد است، مثلاً انگلستان با اجرای برنامه «بهداشت ملی» خود نیازمند به پزشك است که دانشگاههای این کشور نمیتواند به تعداد کافی تربیت کند. پس عات اصلی فرار مغزها تحصیل عایدات بیشتر و تأمین مادی میباشد.

۲- داشتن زندگی آسوده و محیط اجتماعی مساعد - لازم بذکر نیست که شرایط زندگی اجتماعی در کشورهای پیشرفته صنعتی و امکاناتی که از هر لحاظ در آنجا موجود است بخصوص وسائل آسایش، اشخاص را به خود جاب میکند، دانشجویان کشور های توسعه نیافته که در جامعه‌های مرفه و صنعتی تحصیل نموده‌اند غالباً بطرز زندگی و آداب و رسوم و آسایش خاص خود می‌گیرند و مخصوصاً اگر زن خارجی هم گرفته باشند پس از بازگشت به کشور خود با ناراحتی‌هایی مواجه و غالباً نمیتوانند خود را با محیط کشور خویش مطابقت بدهند مگر اینکه علاقمندی شدید بهمیین با وجود علائق خانوادگی و افکار و هدفهای بلند آنها را پای بند نماید.

۳- شرایط و وسایل کار - غالباً يك دانشمند واقعی میتواند با حداقل درآمد بسازد به شرط اینکه وسایل کار و تحقیق و شرایط پیشرفت علمی برای او فراهم باشد. بدیهی است در کشورهای توسعه نیافته چنین انتظاری را نمیتوان داشت خصوصاً چون در غالب این کشورها هیچگونه هدایت حرفه‌ای و شغلی وجود ندارد بسیاری از دانشجویان در داخل و یا خارج کشور خود در رشته‌هایی تحصیل میکنند که امکان کار در آن رشته‌ها در ممالک خودشان وجود ندارد و ناچار با ناکامی مواجه میشوند تنها توفیقشان در این خواهد بود که به گروه عظیم کارمندان دولت پیوسته و مشاغل مهمی را که در هر صورت پشت میز نشینی است بدچنگ آورند.

از این گذشته بواسطه نادانی عمومی و نبودن وسائل و عدم امکان استفاده از نتایج تحقیقات امر تحقیق در کشورهای توسعه نیافته حتی در دانشگاه هایشان مورد توجه نیست. شاید هم حق باشد زیرا برای سرزمینهایی که باید ابتدائیترین مراحل توسعه اقتصادی را آغاز نمایند این موضوع جنبه تجلی دارد. وقتی این امر با تبعیض که در غالب جوامع توسعه نیافته وجود دارد آمیخته شد طبیعی است روح دانشمند و شخص اهل فن را آزرده می‌سازد و طبعاً چنین شخصی در صورتی که فکر و کارش خریدار داشته باشد ترك دیار میکند.

برتری علمی و فنی - با پیشرفتهای خارق‌العاده علوم پس از جنگ اخیر و فاصله زیادی که حتی بین خود کشورهای پیشرفته در امر تحقیق علمی و ترقی فنی حاصل شده است قطعه‌هایی در دنیا بوجود آمده که دانشمندان و محققان را بسوی خود می‌کشاند. مهمترین این قطعه‌ها مراکز علمی آمریکای شمالی است و بهمین دلیل زبده دانشمندان اروپا هر سال به آمریکا مهاجرت میکنند. دانشمندان ممالک توسعه نیافته که در رشته‌های مخصوص کار کرده‌اند ناچارند بجاهائی بروند که از نتیجه تحقیقاتشان استفاده شود. يك عالم فضائی اهل کنگو یقیناً در کشور خود محلی برای کار و تحقیق نخواهد یافت. بنا بر این ممالک توسعه نیافته بخاطر از دست دادن چنین دانشمندانی نباید ناراحت باشند بلکه باید مباحثات کنند که یکی از هموطنان آنها در يك رشته علمی بتواند در محیط پیش افتاده‌تری توفیق حال کند. پس یکی دیگر از علل مهم فرار مغزها برتری علمی و فنی است که در نقاط معدودی از جهان وجود دارد.

عللی که ذکر شد با اینکه جنبه کلی داشت ولی کافی بود تا اهمیت و پیچیدگی موضوع را برساند. آنچه که میتوان بطور خلاصه نتیجه گرفت این است که کشورهایی که مغزهای متفکرشان مهاجرت میکنند باید برای چاره‌جویی از داخله خود شروع کنند.

در کشورهای توسعه یافته و پیشرفته مانند انگلستان بطوریکه خود مقامات صلاحیتدار گفته‌اند نقصان تجهیزات علمی و کمبود وسائل کار موجب می‌شود که دانشمندان هجرت نمایند. در کشورهای توسعه نیافته بطریق اولی این موضوع با شدت بیشتری مطرح می‌شود. بنابراین باید محیط علمی مناسب و آسایش مادی و معنوی برای افراد متخصص و دانشمندان تهیه کرد تا در داخله کشور بتحقیق و کار مشغول شده و با محرومیتها نیز بسازند. شاید همانقدر که تأمین مادی و تحصیل درآمد کافی در دلگرم ساختن این قبیل افراد زبده مؤثر است محیط اجتماعی عاری از تبعیض و شایسته نیز در علاقمند ساختن این افراد به ادامه کار در محیط آبا و اجدادی خودشان مؤثر باشد. تا بحال در کشورهای مختلف اعم از توسعه یافته و پیشرفته راه‌حلهائی برای این موضوع پیشنهاد شده ولی هیچیک سودبخش نبوده‌اند. اعزام هیئت‌هایی به خارج برای برگرداندن افراد مهاجر، اقدام در نزد دولت پذیرنده، سختگیری‌های زیاد در امر خروج از کشور وضع مقررات شدید در این مورد، پیشنهاد حقوق مکفی و مقامات عالی اداری در صورت مراجعت و اقداماتی از این قبیل تا بحال هیچیک بطور قاطع مؤثر واقع نشده‌اند. آنچه که در کشورهای توسعه نیافته بیش از هر اقدامی برای نگاهداری افراد متخصص و دانشمند و بازگرداندن متخصصینی که در خارج بسر می‌برند تأثیر دارد اینست که این افراد ایمان پیدا کنند که در کشور خودشان کارهای عظیمی میشود و ایشان میتوانند در پیش‌برد آن سهمی داشته باشند و یقیناً حاصل کنند که اجتماع و مقامات دولتی در اندیشه آنها هستند و وسائل کار و حداقل زندگی و تأمین اجتماعی را برایشان فراهم می‌سازند. بطور خلاصه توسعه اقتصادی و اجتماعی بمعنای واقعی آن خود تنها محرکی است که افراد زبده يك کشور را از هجرت بخارج مانع میشود و حتی‌آنهایی را که در خارج بسر می‌برند به کشور خود برمیگرداند ●

هنوز در نزد اکثریت عظیم مردم ایران قبول عام نیافته است و دیده میشود که گروه قابل ملاحظه‌ای از پسران و دختران حتی در دانشگاه بیشتر باهم جنسان خود رفت و آمد میکنند. در هر صورت این موضوع یکی از عوامل ایجاد تعارض در جوانان ایرانی است که حل آن به توجه و رعایت حزم و احتیاط نیاز دارد. در مورد دوراهی ترجیح امور مادی یا معنوی نیز، سرگردانی فکری مشاهده میشود (عرفانی فر - ۱۳۴۴). بیش از ۴۰ درصد افراد مورد آزمایش عرفانی فر اظهار میداشتند که بهترین روش زندگی پیروی از روش نیاکان است و تنها ۳۴ درصد خلاف این فکر میکردند. گرچه این تفاوت ممکن است شیبه تفاوتی باشد که - کرانباخ (۱) در کتاب روانشناسی تربیتی خود بین پیروان آیین اخلاقی وابستگی **Affiliation ethics** و آئین اخلاقی پیشرفت **Achievement ethics** ذکر کرده است ولی از سویی نشانه تقسیم جوانان در ارزشهای راجع به گذشته و آینده‌گرایی است ●

(1) Cronbach, Lee J. Educational Psychology 1963.

«ناراحتیهای خانوادگی، تنهایی، اشکالات جسمی و روحی نامنتخص و مسائل جنسی میشود.» این دشواریها ناشی از موانع فرهنگی و اجتماعی است. تعارض بین معتقدات گذشته و اعتقادات کنونی نیز از جمله دشواریهای جوانان ایرانی بشمار میآید. زیرا از یک سو در فشارند تا از سنتهای کهن پیروی کنند و از سوی دیگر تغییرات سریع اجتماع کنونی آنان را به سازگاری با مقتضیات جدید فرا میخواند. تعارض بین گذشته و روزگار کنونی، دل بستگی بدافتخارات - دیرین و نیاز به پیشرفت و هماهنگی با روزگار جدید مبین ارزشهای متضادی است که جوانان ایرانی را مانند جوانان غالب نقاط دچار تجزیه وفاداری و دل بستگی میسازد.

در مرحله انتقالی فرهنگ ایران احتمالاً مسائل جنسی تشدید یافته است. تحریک جنسی در شهرهای بزرگ فراوان است و از سوی دیگر سنتهای دیرین تنگین بودن تمایلات جنسی را به جوانان تلقین میکند. مشاهدات روزمره حاکی است که میزان معاشرت پسر و دختر به تدریج افزایش پیدا میکند، ولی با مشاهدات سطحی میتوان گفت که این امر

آیا انجمن ملی اولیا و مربیان ... بقیه از صفحه ۳

افراد با استفاده از وسائل انتشاراتی و اطلاعاتی حاصل مطالعات و تحقیقات و بررسی های روانشناسی خانواده را در اختیار همگان قرار دهد. تعلیمات انجمن بر پایه مطالعات و اندیشه - های افراد قرار گرفته است اندیشه و تفکرانی بر مبنای تفاهم و کمال هر فرد برابر با امکاناتش.

انجمن سعی دارد با افراد تفهیم نماید بهتر است هرکس مسائل و نیازمندیهای خود را در مرحله نخست تشخیص دهد سپس قبول کند که دیگران نیز مسائل و نیاز هائی دارند و مهمتر

با متخصصین و علاقمندان با امور تربیتی تجربیات لازم برای هر سن و هر موقعیتی را (خواه در جوانی یا سنین متوسط و یا در دوران کهولت) بدست آورند تا بتوانند با روشن بینی کامل، پخته تر و عمیق تر میان روشهای زندگی فردی و احتیاجات اجتماعی خویش هم آهنگی و توازنی برپایه حسن تفاهم برقرار سازند.

انجمن ملی اولیا و مربیان می - تواند بدین طریق توجیه گردد : انجمن مرکزی است که کوشش مینماید برای درک و شناسائی و شکل

آنکه مسائل شخصی خود را با مسائل دیگران مخصوصاً در محیط خانوادگی مخلوط ننماید بلکه بخواسته های دیگران نیز توجه کافی نموده و با فکار و عقا آنان احترام بگذارد.

بدین ترتیب میدان اصلی فعالیتها انجمن را میتوان در خانواده و گره خانوادگی جستجو کرد و برای بش رسانیدن این مهم مراکز نظیر انجمن ملی اولیا و مربیان برای تبادل افک و راهنمایی خانواده ها و مربیان ضرور نظر میرسد.

مسئله ای که فعلاً میتواند در حوزه فعالیت های انجمن ملی اولیا و مربیان قرار گیرد :

تعلیم و تربیت استفاده کرد .

عدم دسترسی به سایر سرگرمیها بطوریکه گذشت ، هجوم جوانان ما را بسوی سینما شدیدتر میکند بدون اینکه از واقعیت فیلم و سینما آگاهی کافی داشته باشند و از تاثیر منفی آن در امان بمانند . بعقیده عده‌ای از دانشمندان آموزش فیلم در مدارس از ضروریات دنیای امروز است و هیچ جایی برای این منظور بهتر از مدارس نمیتواند باشد .

آشنائی با تکنیک فیلم برداری ، جوانان و نوجوانان را آماده میسازد تا با بصیرت و آگاهی بنمایش فیلم پردازند و از تقلید و تاثیر منفی فیلم نیز برکنار باشند و استنباطشان از فیلم جنبه رمانتیک و روبائی نداشته باشد . دراین صورت لزوم تحریم فیلم (که اکثر جوانان از آن بشدت انتقاد میکردند و آنرا خود عامل موثری در جلب جوانان بسوی اینگونه فیلمها و وسیله‌ای برای فروش بیشتر می‌دانستند) کمتر پیش خواهد آمد و بیم اینکه دیدن فیلم های بد در اخلاق و روحیه جوانان موثر واقع شود از بین خواهد رفت و اولیاء با آسودگی به فرزندان خود اجازه رفتن به سینما را خواهد داد ●

آیا بهتر نیست از این جنبه های فیلم برای بهبود وضع جوانان استفاده شود . بطوریکه ذکر شد این اثر بسته به آمادگیها و گرایشهای اجتماعی و روحی جوانان متفاوت بود عده‌ای میگویند : «اثر فیلم اینست که وادارم میکند فکر کنم .» عده‌ای دیگر میگویند «علاقتم میشود شخصیتی چون شخصیت هنرپیشه فیلم داشته باشم یا جای او باشم» .

پرسش دیگری که از جامعه مورد مطالعه در تحقیق انجمن اولیاء و مربیان بعمل آمد درباره سیگار کشیدن هنگام تماشای فیلم بود . جوانان اظهار داشته‌اند که هنگام تماشای فیلم سیگار میکشند حتی عده‌ای هم که به سیگار معناد نیستند .

اینکه بین سیگار کشیدن و تماشای صحنه‌ای تحریک کننده یا هیجان آور رابطه‌ای وجود دارد و یا جوانان از شدت هیجان ناشی از صحنه های فیلم به سیگار رومی‌آورند خود مسئله‌ای درخور توجه و مطالعه است .

با توجه باین حقایق باید تدابیری اندیشید و از فیلم و سینما که امروز بنظر برخی دانشمندان بک نهاد اجتماعی شده است بنحو احسن برای بهبود وضع

جهت آنکه نتوانند بنحو شایسته‌ای از دقائق زندگی خود با سرگرمیهای مطلوب وآموخته استفاده نموده و لذت ببرند، نه آنکه روزگار خود را فقط بدلیل اینکه (باید ادامه داد) بگذرانند .

ز : مطالعات دائمی و دقیق در تمام موارد و بهر وسیله‌ایکه بتواند در شناسائی و حل مشکلات در مسائل ارتباط بین افراد (جوانان و بزرگسالان) نقشی داشته باشد .

انجمن آرزو دارد که بتواند با همکاری و همفکری کلیه اولیاء و مربیان با فعالیتهای هرچه بیشتر در راه بهبود و سعادت زندگی نسل جوان قدمهای موثرتری بردارد ●

برخورد و استفاده از مسائل تربیتی و آموزشی جدید که شامل وسائل ارتباطی گروهی میشود مانند مطبوعات، رادیو، تلویزیون و فیلم (انجمن در نظر دارد که مجله‌ای هر سه ماه یکبار برای تنویر افکار مربیان بوسیله خود آنها انتشار دهد) .

ه : تفهیم و توجیه کامل مسئولیت پدر و مادر مخصوصا با تحولی که در اثر کار و فعالیتهای زنان در خارج از منزل بوجود آمده است .

و : آماده ساختن افراد برای زندگی در دوره های مختلف مخصوصا دوره کهولت (دراین دوره نگرانیها واضطرابات زن و مرد شدت مییابد)

الف : تحقیق درباره اقتدار و ط اولیاء بر جوانان (تحولات خود درباره تسلط پدر و مادر در واده) .

ب : برقراری ارتباط میان نسلها مسائل لازم جهت تبادل افکار و تفاهم تر جهت بهبود روابط خانوادگی از به نظر اختلافات درباره شناسائی ها، نها . منافع و ارزشهای فردی و معامی و نظایر آن) .

ج : متقاعد ساختن خانواده ها بول روشهای تازه‌ایکه بنفع جوانان و ده آنان است از قبیل راهمائیهای بیع جوانان و تعلیم و تربیت دائمی د : هدایت خانواده ها در طرز